تحلیلی بر احادیث قرآن شناسی کلینی در اصول الکافی ـ
مهدی خوشدونی، سید محمد موسوی مقدم
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال شانزدهم، شماره ۶۱ «ویژه قرآن و حدیث: پیوند ناگسستنی»، زمستان ۱۳۹۷، ص ۲۳-۴۵

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.3.9]

تحلیلی بر احادیث قرآن شناسی کلینی در اصول الکافی

مهدی خوشدونی*
سید محمد موسوی مقدم**

چکیده: بخشی از کتاب الکافی به عنوان یکی از منابع متقدم و چهارگانه حدیثی شیعه مرتبط با مباحث فرامتنی قرآن یا همان روایات قرآن‌شناسی است که در مقاله پیش رو بررسی و تحلیل شده و مورد اعتبار سنجی محتوایی قرار گرفته‌اند. نتیجه آنکه کلینی به نحو مقتضی به این روایات عنایت داشته و روایات خاصی را در این باره برگزیده است. هر بخش از آن مباحث مهم و کاربردی در بردارد که در مقاله بیان شده است. ایشان در یک نگاه کلی اطلاعات حدیثی مهم و مورد اعتماد و قابل توجهی را در باره قرآن کریم به متأخرین و حتی هم عصران ارائه کرده است.

کلیدواژه‌ها: احادیث اهل بیت؛ روایات تفسیری؛ قرآن‌شناسی؛ کلینی؛ اصول الکافی.

*. دانش آموخته دکترای تخصصی گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات دانشگاه تهران، پردیس فارابی قم، پژوهشگر پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه‌السلام (نویسنده مسئول) hajmahdi133@chmail.ir
**. دکترای تخصصی، استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات دانشگاه تهران، پردیس فارابی قم
sm.mmoqaddam@ut.ac.ir

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.3.9]

۱. مقدمه

احادیث اهل بیت منابع ارزشمندی هستند که اطلاعات مهم در موضوعات مختلف در بردارند. بخشی از این اطلاعات، مباحث مرتبط با قرآن کریم است. کتاب اصول الکافی کلینی به عنوان یکی از کتب متقدم و معتبر از اهمیت ویژه‌ای بین علماء امامیه بر خوردار است، از این رو در این مقاله به تحلیل و بررسی روایات قرآن شناخت اصول الکافی پرداخته شده است. بنابراین مسئله اصلی در این مقاله، فهم ویژگی‌ها، کارکرد ها و معارف حاصل از این قبیل روایات با توجه به نوع مواجهه کلینی با این قبیل روایات است.

تا کنون در زمینه کلینی و اصول الکافی و هم چنین روایات تفسیری کارهای پژوهشی انجام شده است، اما هیچ یک تا کنون - با توجه به تعریفی که از روایات قرآن شناخت در ادامه می‌آید- به طور جامع به تحلیل همه جانبه این روایات نپرداخته است. به عنوان نمونه مقاله: *فتح الله نجارزادگان* با عنوان *تأمّلی در احادیث تحریف‌نمای «الکافی»*، *(قم، کنگره کلینی مجموعه مقالات فارسی، ج ۵)* و کارهای مشابه آن که در کنگره کلینی‌شناسی و کتب آن کنگره انجام گرفته است.

تنها مقاله‌ای که به عنوان روایات قرآن‌شناسی در الکافی اشاره دارد، مقاله: سید محمدعلی ایازی است با عنوان تحلیلی از جایگاه قرآن شناسی اهل بیت در کافی. (دو فصلنامه علمی پژوهی حدیث پژوهی دانشگاه کاشان، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، صص ۱۳۷-۱۷۰)

مقاله نامبرده نیز بیشتر به گونه‌شناسی تمام روایات تفسیری از منظر اهل بیت پرداخته نه به تمام ابعاد جامع این قبیل روایات، که تنها بخشی از روایات تفسیری هستند از این رو در مقاله حاضر، تنها روایات فرامتنی درباره قرآن تحلیل شده است، یعنی روایاتی که مواجهه مستقیمی با متن آیات نداشته و تفسیری از خود آیه ندارد، بلکه مباحثی را حول قرآن و پیرامون برخی سور و آیات مطرح می‌کنند

که توضیح و دامنهٔ آن در متن آمده است. بنابراین نوآوری‌های پژوهش حاضر عبارتند از:

۱) دسته‌بندی و طبقه‌بندی و تحلیل جامع این قبیل روایات

۲) بررسی اعتبار محتوایی و کاربرد این روایات در عرصهٔ مباحث قرآنی

۳) تحلیل و پاسخ‌گویی به برخی اشکالات پیرامون این احادیث

۴) فهم روش و منطق کلینی در مواجهه و گزینش این قبیل روایات

این پژوهش و تحلیل ابتدا روایات به طور کامل احصاء، طبقه‌بندی و دسته‌بندی شده و در ادامه ره‌آوردهای این احادیث مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است.

۲. مفهوم‌شناسی

منظور از روایات قرآن شناسی، روایات حاوی آگاهی کلی و فرامتنی از قرآن کریم، سور و یا آیات آن است. البته به یک اعتبار می‌توان گفت تمام روایات تفسیری (به معنای عام) حاوی اطلاعات قرآن‌شناسی هستند، اما منظور ما از این روایات، روایاتی هستند که تبیینی از متن آیه ندارد، بلکه آگاهی‌های کلی و فرامتنی از آیات در اختیار قرار می‌دهند، که مستقیماً در تبیین، تفسیر و توضیح آیات دخالتی ندارد.

بنابراین مقصود از احادیث قرآن شناسی: «روایاتی هستند که موضوع یا مسئلهٔ اصلی آنها شناخت قرآن به معنای کلی کتاب باشد و آگاهی‌ها و داده‌هایی کارآمد در شناخت قرآن ارائه می‌نمایند. احادیث قرآن‌شناسی با متن آیات مواجههٔ مستقیم معنا شناختی و تبیینی ندارند. از این رو عمل تبیین و تحلیل متن در آنها رخ نمی‌دهد، هر چند که اطلاعات یاد شده در آنها در مقام تفسیر و فهم متن مؤثر و کارآمد هستند.» (راد،۱۳۹۳: ۱۸)

آگاهی‌های یاد شده از این قبیل است:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.3.9]

۱. کتاب‌شناسی: شناخت ماتن، ماهیت، فرایند پدیداری، منزلت و کار آمدی و...

۲. اسم‌شناسی: شناخت اسامی، اوصاف، فضایل، خواص و آثار، آیات و سوره‌ها و...

۳. متن‌شناسی: شناخت نوع متن، ساختار و زبان متن، ویژگی‌های متن، ترتیب و تدوین متن، بین متنی، و...

۴. تاریخ‌شناسی: شناخت زمان و مکان، مخاطب، شأن، سبب، فضا شناسی نزول... قرآن.

۵. روش‌شناسی: اصول و قواعد خاص فهم و تبیین، الزام‌های اخلاقی فهم، روش‌ها و شیوه‌های فهم و... قرآن.

۶. آسیب‌شناسی: مناقشات و چالش‌های فراروی متن، آسیب‌های فهم و ... قرآن.

(رک: راد،۱۳۹۳، ص ۱۸)

با توجه به این تقسیم‌بندی، در بررسی صورت گرفته، روایات موجود در اصول الکافی در پنج مورد نخست منحصر می‌شوند.

۳. فراوانی و طبقه‌بندی

در یک گزارش کلی این روایات مطابق جدول ذیل قابل تقسیم است.

روایات « قرآن شناخت»									
نوع	کتاب‌شناسی		اسم‌شناسی			متن‌شناسی	تاریخ‌شناسی		روش‌شناسی
زیر مجموعه	ماهیت شناسی ۶	منزلت سور ۴	فضایل و خواص سور: توحید ۷	توحید+سایر ۶	سایر ۷	فضایل الایات ۲۳	شأن نزول ۱۴	فضای نزول ۴	اطلاعات تاریخی ۵
تعداد	۱۰		۴۳			۹	۲۳		۱
مجموع	۸۶								

۴. ره‌آوردها

بدنبال این بررسی‌ها و طبقه‌بندی‌ها از روایات قرآن شناخت، مباحث جدی و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.3.9]

قابل تأملی مطرح می‌گردد که از زمره یافته‌های این گونه‌شناسی است. مباحثی مهمّ که از تحلیل این احادیث بدست آمده و هر یک جای بحث و تتبع دارد.

۴-۱. تحلیل و ارزیابی برخی روایات اسباب النزول کلینی

برخی دست‌یابی به اسباب النزول صحیح آیات را امری مشکل، و تنها با اعتماد به روایات صحیح ممکن دانسته‌اند. این امر در مکتب تفسیری اهل سنت بیشتر قابل توجه است و برخی از آنها سخن گفتن دربارهٔ اسباب نزول را جز با شرایطی جایز نمی‌داند (واحدی، ۱۴۱۱: ۱۰) چرا که اسباب النزول جز از راه روایت به دست نمی‌آید و متاسفانه بسیاری از وقایع در گذشته ضبط نمی‌شده است، بنابراین غالب روایات منقول چندان منابع قابل اعتمادی ندارند (معرفت، ۱۳۸۲: ۶۸) البته مسئلهٔ اعتبار روایات اسباب النزول در مکتب حدیثی امامیه با اهل سنت متفاوت است؛ چرا که آنها از دسترسی به احادیث صحیح حقیقی در موارد عدیده‌ای محرومند، اما در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام روایات فراوانی است که به گونه صحیح از طرق ایشان رسیده و تا به حال بیش از چندین هزار روایت در این زمینه گردآوری شده است. (رک: معرفت، ۱۳۸۲: ۶۸) مکتب امامیه به لطف حضور ائمه بالاخص، امام باقر و امام صادق و اسناد قوی و مسند در این زمینه دستی بالاتر دارد. (معرفت،۱۳۹۰، ج۱، ص۱۸۰) از طرفی بیان و گزارش سبب نزول آیات، راه و روش استوار و مطمئنی برای فهم معانی قرآن کریم است، چرا که غبار اشکال و ابهام را از چهرهٔ معنی و مقصود آیات می‌زداید. (حجتی، اسباب النزول: ۸۳)

بعلاوه بخشی از روایات شأن النزول اصول الکافی مسائل مرتبط با جانشینان و امامان بعد از رسول خدا و مباحثی از این قبیل است که جزء مبانی قطعی و مورد اعتقاد امامیه است و مشابه آن به طور فراوان در منابع اهل سنت نیز انعکاس یافته است. بنابراین مضامین این روایات اسباب النزول خواستگاه اعتقادی - در شیعه -

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.3.9]

و حدیثی - در فریقین - دارد که نشان از غنای روایات شأن نزول کلینی دارد. لذا بر اتقان و اعتبار روایاتی که در موضوع تاریخ‌شناسی و در قسمت شأن نزول ذکر شده است، می‌افزاید. به چند نمونه توجه کنید:

۴-۱-۱. روایت شأن نزول آیه ولایت و خاتم بخشی حضرت علی علیه‌السلام در رکوع نماز (کلینی، همان، ۲: ۱۱)

محدثان و مفسران فریقین نیز نقل کرده‌اند که از شأن نزول‌های این آیه ماجرای خاتم بخشی و صدقه دادن حضرت علی در رکوع نماز است، (ابن أبی حاتم، ۱۴۱۹، ۴: ۱۱۶۲؛ طبری،۱۴۱۲،۶: ۱۸۶؛ فخر رازی،۱۴۲۰، ۱۲: ۳۸۳؛ و...) حتّی برخی از مفسران تصریح کرده‌اند که این دیدگاه، قول جمهور مفسران اهل سنت است. (ابن عطیه،۱۴۲۲،۲: ۲۰۸؛ ثعالبی، ۱۴۱۸،۲: ۳۹۶)

۴-۱-۲. آیه تبلیغ (ابلاغ، عصمت) مائده ۶۷ و ماجرای غدیر (کلینی، همان،۲ :۲۷)

این شأن نزول و فضای آیه در تفاسیر اهل سنت گزارش شده است. (ابن أبی حاتم، ۱۴۱۹، ۴: ۱۱۷۲؛ فخر رازی،۱۴۲۰،۱۲: ۴۰۱؛ ثعلبی،۱۴۲۲،۴: ۹۲) در منابع حدیثی اهل سنت نیز این واقعه و حدیث "من کنت مولاه" گزارش شده است. (حاکم نیشابوری، بی‌تا،۳: ۱۱۰؛ بخاری ۱۴۰۱، ۴: ۱۹۴و...)

۴-۱-۳. آیه مودت: شوری ۲۳ (کلینی، همان، ۲: ۲۸، ۲۹)

این شأن نزول نیز نقل مشترک مفسران شیعه و اهل سنت (ابن أبی حاتم۱۴۱۹، ۱۰: ۳۲۷۶؛ فخررازی ۱۴۲۰، ۲۷: ۵۹۵ ثعلبی،۱۴۲۲، ۸: ۳۱۰؛ طبرسی،۱۳۷۲، ۹ :۴۳) که کلینی بدان اهتمام دارد.

۴-۱-۴. آیات اول سوره طه

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را شیوه آن بود که بر نوک انگشتان پاهایش برای عبادت بایستد، پس خدا به او نازل فرمود: «**طه ما أَنْزَلْنا عَلَيْكَ الْقرآن لِتَشْقى**».(کلینی، همان،۳: ۲۴۴)

محدثان و مفسران فریقین بر آن‌اند که علت نزول این آیات مشقت و رنج

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.3.9]

مضاعفی بود که پیامبرﷺ از خوف و شوق الهی در عبادت بر خویش متحمل می‌ساخت اتفاق دارند. (ابن جوزی،۱۴۲۲، ۳: ۱۵۰؛ سیوطی،۱۴۰۴، ۴: ۲۸۸؛ فخررازی،۱۴۲۰،۲۲: ۶؛ طبرسی،۱۳۷۲،۷: ۴)

از برخی نمونه‌هایی که بیان آن گذشت، به دست می‌آید که کلینی می‌کوشد روایات شأن نزول ارزشمند، مشهور، متفق علیه و متقن را در اصول گرد آورد، به گونه‌ای که اثبات‌گر مبانی اعتقادی امامیه باشند.

مضمون بخشی از روایات شأن نزول، از چند جهت مورد اعتبار و اهمیت هستند:

۱. محتوای آنها ضمن انطباق با آیه و هم راستا با مبانی اصلی و اعتقادی امامیه هستند (بالاخص در مباحث ولایت و امامت و خصائص آنها)

۲. محتوای بخشی از این قبیل روایات، مورد گزارش محدثان و مفسران فریقین در شأن نزول آیات هستند. که نشان از اعتماد آنها بدین روایات در ماهیت اسباب نزول آیات مرتبط را نشان می‌دهد.

بنابراین محتوای غالب روایات اسباب نزول کلینی روایاتی مورد وثوق و گزارش محدثان و مفسران فریقین است.

۴-۲. تفاوت‌های نقلی کلینی در گزارش روایات شأن نزول

کلینی در شأن نزول‌های مرتبط با مباحث اعتقادی شیعه در مسئله امامت و مباحث مرتبط با آن روایات متفق علیه و مشهور را ذکر کرده است، اما در بارهٔ آیه «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ...»: احادیثی مرتبط با زمان رحلت رسول خداﷺ آورده است و در هیچ جای الکافی به روایات مشهور به کیفیت صلوات بر رسول اکرم و اهل بیتش که در منابع حدیثی فریقین آمده، اشاره‌ای نکرده است. منظور از آن روایت مشهور در شأن نزول این آیه است که:

«لما نزلت: إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.3.9]

تَسْلِیماً، قلنا: یا رسول الله قد علمنا السلام علیك فكیف الصلاة علیك؟ قال: قولوا: اللهم صل علی محمد و علی آل محمد كما صلیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انك حمید مجید، و بارك علی محمد و علی آل محمد كما باركت علی ابراهیم و آل ابراهیم انك حمید مجید»

این روایت در منابع اهل سنت نقل شده است. (ابن أبی حاتم، همان، ۱۰: ۳۱۵۱؛ طبری، همان، ۲۲: ۳۱؛ فخررازی، همان، ۱۶: ۱۳۷؛ و .....)

شماری از محدثان شیعه نیز آن را ذکر کرده‌اند: (ابن بابویه،۱۳۷۶: ۳۸۶؛ طوسی،۱۴۱۴: ۴۲۹ طبرسی، همان، ۸: ۵۷۹؛ طباطبائی،۱۴۱۷، ۱۶: ۳۴۴ و...) اما این روایت در الکافی دیده نمی‌شود. البته عدم نقل کلینی به معنای عدم اعتماد او به این روایت نیست. بلکه دلایل دیگر دارد همچون: احتمال عدم نقل به جهت شهرت روایت؛ قرار نگرفتن آن در ذیل ابوابی که کلینی ترتیب داده بوده است، یعنی آنکه کلینی با توجه به محتوای روایت نتوانسته آن را در الکافی جای دهد؛ کتبی که کلینی از آنها نقل کرده نقلی از این روایت نداشته‌اند.

۴-۳. اطلاعات تاریخی کم نظیر در روایات قرآن‌شناسی

در میان روایات قرآن‌شناسی که مرحوم کلینی در اصول الکافی برگزیده، در مواردی حاوی اطلاعات تاریخی بسیار سودمندی در تبیین فضای صدور آیه است که ابهامات شرایط نزول را در موارد بسیاری بر طرف می‌کند؛ اطلاعاتی فرامتنی که دستیابی بدان‌ها جز از طریق نقل و تفسیر مأثور امکان‌پذیر نیست، خصوصاً در داستان‌های انبیاء، که تاریخ درباره آنها یا ساکت یا مبهم و غیردقیق است. لذا کارکرد این دست روایت در این مقوله بیشتر مشهود است.

۴-۳-۱. در روایتی علت صادق الوعد نامیدن اسماعیل نبی مطرح شده است:

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام، قَالَ: «إِنَّمَا سُمِّیَ إِسْمَاعِیلُ صَادِقَ الْوَعْدِ، لِأَنَّهُ وَعَدَ رَجُلًا فِی مَكَانٍ، فَانْتَظَرَهُ فِی ذلِكَ الْمَكَانِ سَنَةً، فَسَمَّاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَ «صادِقَ الْوَعْدِ» ثُمَ إِنَّ الرَّجُلَ أَتَاهُ بَعْدَ ذلِكَ، فَقَالَ لَهُ إِسْمَاعِیلُ: مَا زِلْتُ مُنْتَظِراً لَكَ». (کلینی، همان،۳: ۲۷۱)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.3.9]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.3.9]

در برخی از تفاسیر اجتهادی گفته‌اند: منظور از صادق الوعد یعنی آنکه اگر وعده کند بدان پای‌بند است و از آن تخلف نمی‌کند (طبرسی، همان،۶: ۸۰۰) بنابراین کارایی نقل و روایت در بدست آوردن چنین اطلاعاتی در حیطه مباحث فرامتنی و تاریخی تفسیر آیه مهم است. مشابه این روایت در علت نامگذاری اسماعیل، در منابع روایی غیر شیعی نیز ذکر شده است. (سیوطی،۱۴۰۴، ۴:۲۷۳) علاوه بر ارزش تاریخی، این روایت ارزش فهم قرآنی و تبیین غیرمستقیم نیز دارد چنانکه بر عنایت ویژه خداوند به صداقت در وعده و امانت توجه دارد که از نشانه‌های ایمان واقعی مومن است. کلینی این روایات را در کتاب ایمان و کفر و باب صدق و اداء الامانه آورده است، یعنی دادهٔ بدست آمده از این روایت به خودی خود ارزش تفسیری از قرآن دارد که از نگاه خداوند، چنین بنده‌ای مورد تأیید و تمجید است.

۴-۳-۲. ماجرای فاصله زمانی بین استجابت دعای حضرت موسی و هارون در عذاب فرعون و عملی شدن آن نمونه‌ای دیگر است، یعنی چشاندن عذاب الیم به فرعون که نزدیک به چهل سال طول کشید. «كَانَ بَيْنَ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «**قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُما**» وَ بَيْنَ أَخْذِ فِرْعَوْنَ أَرْبَعُونَ عَاماً». (کلینی، همان، ۴: ۳۴۵) برخی از مفسران امامیه (طبرسی، همان، ۵ :۱۹۶؛ طباطبائی، همان، ۱۰: ۱۱۷) در تعیین این فاصله بدین نقل استمداد جسته‌اند. چرا که در تعیین این زمان، جز از راه نقل روش دیگری برای اثبات آن نیست. این مسئله ارزش انحصاری داده‌های تاریخی این دست روایات در عرصهٔ تفسیر قرآن را نشان می‌دهد.

۴-۳-۳. داده‌های تاریخی در مورد وضعیت جسمانی مؤمنی که در سوره یاسین می‌دهد، دارای همین کارکرد هستند. (کلینی، همان،۴: ۵۱۷)

البته اطلاعات روایات قرآن شناخت به علت فرامتنی بودن به طور مستقیم در تفسیر خود آن آیه دخالت ندارد، اما می‌توانند نظرگاه‌هایی کلی در تفسیر قرآن

باشند؛ یعنی داده‌های بدست آمده از این برآیند، می‌تواند ارزش تفسیری و فهم قرآنی داشته باشند، یعنی این توانایی را در اختیار مفسران قرار دهند که امکان استفاده حداکثری از قرآن را برای آنها فراهم نماید. مثلاً در دعای حضرت ابراهیم در جهت فتنه قرار نگرفتن مومنان که کلینی گزارش کرده (کلینی، همان،۳: ۶۵۴) می‌توان بدست آورد که یکی از آزمایش‌های الهی برای انسان‌های مؤمن در دنیا، آزمایش انسان به فقر و تنگدستی است. همچنین بیماری و نقصان ظاهری مانع انجام اقدامات اصلاحی و تربیتی در جامعه و ابزار طرد چنین فردی از درگاه الهی نیست.

۴-۴. تحلیل و ارزیابی دیدگاه کلینی به روایات خواص سور

در شماری از روایات اهل بیت علیهم‌السلام از فضایل و خواص آیات و سور سخن به میان آمده از این روایات در میراث روایی از جمله کافی انعکاس یافته است. این قبیل روایات در اصول الکافی بیشتر در کتاب الدعا و کتاب فضل القرآن وجود دارند. در کتاب فضل القرآن، مرحوم کلینی تنها به ذکر خواص و فضایل چند سوره از مجموع ۱۱۴ سوره قرآن عنایت داشته که عبارتند از: *توحید، انا انزلناه (قدر)، تکاثر، کافرون، فلق، مسبّحات، حمد، زلزال، ملک*. در این بین، بیشترین فراوانی مربوط به سورهٔ توحید با خواص مختلف و متفاوت است. ۱۴مورد به فضیلت سوره توحید، دو مورد به قدر، کافرون و حمد و بقیه سوره‌ها نیز یک مورد از فضایل نقل شده است.

به عقیدهٔ برخی از اهل نظر، دقتِ ضروری در مسائل واجبه و محرمه در باب فضائل سور لازم نیست و حتی احادیث بسیار ضعیف را هم می‌توان نقل نمود و ملاک عمل قرار داد. (مدیرشانه چی،۱۳۸۴: ۱۵۰،۱۵۱) لذا بسیاری از روایات فضایل را قابل اعتماد نمی‌دانند. اما باید در مورد روش کار کلینی باید گفت که، کلینی تنها به تعداد انگشت شماری از احادیث فضایل سور به ویژه سوره توحید اعتماد نموده و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.3.9]

آنها را گزینش و این فضایل را نقل نموده است. با مراجعه به میراث روایی شیعه این فراوانی و کثرت فضایل درباره خواص و فضایل سوره توحید به طور کلی، نوعی عمومیت و فراگیری دارد. (ابن بابویه،۱۴۰۶: ۱۲۷، ۱۲۹؛ طباطبائی، همان،۲۰: ۳۹۰، ۳۹۲) که عظمت و اهمیت این سوره مهم قرآن کریم را می‌رساند.

نکته دیگر آنکه روایاتی که کلینی در فضایل سوره توحید می‌آورد نمونه‌هایی مشابه در روایت اهل سنت دارد که برخی از علماء اهل سنت نیز قائل به صحت آنها شده‌اند. (الخلّال، ۱۴۱۹: ۴۱) یکی از محققان عصر حاضر اهل سنت به بررسی احادیث صحیح و سقیم در فضایل سور پرداخته است. وی از ۹ عنوان سوره‌ای که کلینی از فضایل آنها یاد کرده، برای هفت عنوان – به غیر تکاثر و قدر- قائل به ورود احادیثی صحیح در فضایل این سور بوده است. از نگاه او فقط برای برخی از سوره‌ها و تعداد از آیات خاص – هم چون آیت الکرسی و آیات سوره آل عمران –روایات صحیح در فضایل آنها نقل شده است. (رک: قطینه آمال، ۲۰۰۵)

بنابراین از دقت در خواص و فضایل سوره‌ها که کلینی بدان‌ها عنایت شده است موارد ذیل به دست می‌آید که روش نقل احادیث فضایل او را تا حدی با دیگران متمایز می‌نماید:

۱) کلینی فقط خواص و فضایل تعداد انگشت شماری از سوره‌های قرآن را نقل کرده و با وجود کتاب فضل القرآن در اصول الکافی، برای تمام سور قرآن چنین نکرده است.

۲) در میان فضایل سور، بیشترین فراوانی - قریب نیمی از فضایل سوره‌ها- به سوره توحید اختصاص داده شده است.

۳) کلینی قصد نقل خواص سوره‌ها و بعضی آیات داشته، چرا که یک باب با این عنوان ایجاد کرده است (فضل القرآن)، ولی فقط روایاتی را برگزیده که از نظر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.3.9]

ایشان قابل اعتماد یا مشهور است.

۴) این رویکرد حداقلی کلینی به روایات فضایل و خواص سور می‌تواند نشان از نگاه مبنایی او در این باره نیز باشد. یعنی آنکه از نظر ایشان نیز برای همه سور و آیات قرآن فضایل نقل نشده است.

۵) یکی از اهداف کلینی برای آوردن این قبیل روایات، و ایجاد کتاب فضل القرآن، شاید آن باشد که به نهضت احیای جایگاه قرآن که خصوصاً در دوره صادقین شکل گرفته بود اشاره نماید چرا که ائمه با طرح روایاتی در زمینه فضایل خواندن سوره‌های قرآن، کوشیدند تا قرآن را در جامعه اسلامی احیا کنند. (جعفریان،۱۳۸۷: ۳۵۶،۳۵۷)

۴-۵. مباحث علوم قرآنی در روایات قرآن شناخت

کلینی، روایاتی در مباحث تخصصی و نظریه‌های اساسی علوم قرآن و تاریخ قرآن آورده است. بدین روی برخی از صاحب نظران، از کتاب الکافی کلینی به عنوان یکی از منابع اصلی روایی و تاریخی در مباحث علوم قرآنی یاد می‌کنند به ویژه مباحث کتاب فضل القرآن این کتاب، که بطور خاص مشتمل بر این مباحث است. (معارف،۱۳۸۲: ۲۵) چند نمونه:

۴-۵-۱. روایت: الْقرآن خَاصٌّ وَ عَامٌّ، وَ مُحْكَمٌ وَ مُتَشَابِهٌ، وَ نَاسِخٌ وَ مَنْسُوخٌ و... (کلینی، همان، ۱: ۵۳۰)

در این روایات، به طور واضح و دقیق، از عناوین تخصصی مباحث علوم قرآنی یاد می‌شود. این نقل بیانات امام، از این لحاظ حائز اهمیت است که بعضی قدمت تحقیقات مستقل در مباحث علوم قرآنی را به قرن هشتم باز گردانند، و از بدرالدین زرکشی، به عنوان نخستین محقق مسائل قرآنی یاد می‌کنند و پس از آن، از کتاب الاتقان سیوطی در این باره نام برده می‌شود که آن نیز در حدود قرن نهم هجری

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.3.9]

نگاشته شده است. (معرفت،۱۳۸۲: ۵۶) بنابراین نگاشته‌های پراکنده وجود دارد، اما قدمت نخستین تک نگاره‌های مستقل علوم قرآنی به زمانی متأخرتر از زمان معصوم علیه‌السلام و حتی جمع کلینی می‌رسد. و مسئله مهم دیگر، تأیید همراهی و هم سنخیِ این علوم تخصصی از قرآن با مکتب وحی و اهل بیت است.

۴-۵-۲. روایات دیگری با داده‌هایی حاوی تاریخ قرآن به تبیین اولین و آخرین سوره نازله می‌پردازد. (کلینی، همان، ۴: ۶۶۰) در این روایت نخستین سوره نازله را سوره علق می‌داند، واقعیتی که مورد اتفاق است. اما درباره آخرین سورهٔ نازله که در روایت نصر معرفی شده است، اشکال شده است. چرا که آیات و سوره‌های دیگری بعد از سوره نصر نازل شده است. بخش دوم روایت در تطبیق با واقعیت در تعارض به نظر می‌آید. مرحوم مجلسی در مرآة العقول در این باره می‌گوید «احتمال قوی منظور این است که سوره کاملی بعد از سوره نصر نازل نشده است و در این صورت تعارضی بین نزول بعضی آیات بعد از سوره نصر - آن چنان که مشهور است- وجود نخواهد داشت». (مجلسی،۱۴۰۴، ۱۲: ۵۱۸)

نتیجه آنکه، روایت سازگار با واقعیت است، چرا که نخستین سوره نازله علق است[1] و محتوای سوره نیز با گزارش تاریخی نخستین سوره منطبق است. (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۱، ص۹۷؛ نیشابوری، بی‌تا، ج ۶، ص ۸۸) دانشمندان علوم قرآنی ضمن استناد به این روایت درباره نخستین سوره، آخرین سوره را نصر می‌دانند، چنانکه معصوم فرموده زیرا آخرین سورهٔ نازله بطور یکجا و کامل است و در سال فتح مکه و قبل از سوره برائت یکجا و به طور کامل نازل شده است. (معرفت، ۱۴۲۸، ۱: ۸۱) برخی از محققان به پیروی از ابن عباس آخرین سوره را سوره نصر می‌دانند. (سیوطی،۱۹۷۳، ۱: ۲۷) (رامیار،

۱. نظرات دیگری در باره نخستین سوره نازله مطرح است: هم چون حمد و یا مدثر و .... اما همه آنها جای اشکال یا جمع ابتدایی با نظریه نزول سوره علق به عنوان نخستین سوره است. رک: معرفت، تاریخ قرآن؛ سید محمدباقر حجتی، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران، انتشارات امیر کبیر؛ معرفت، تلخیص التمهید، ج ۱ ص ۷۹.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.3.9]

۱۳۸۵: ۵۹۴) بنابراین مرحوم کلینی در این باره نظر دقیق و صحیح را برگزیده و روایت معصوم را آورده است.

۴-۵-۳. نمونه‌های دیگری از روایات، مربوط به زمان نزول قرآن (کلینی، همان، ۴ : ۶۶۲) و همچنین تقسیم‌بندی کلی سوره‌های قرآن است (کلینی، همان، ۴ :۶۰۰) که خواستگاهی مشترک در فریقین دارد. به دنبال این تقسیم‌بندی رسول خدا ﷺ از سوره‌ها، بزرگان صحابه و علماء تفسیر، از همان صدر اسلام به تبیین آن عنایت داشته و حتی ترتیب و نظم و چینش سور قرآن موجود را بدان توجه و توصیه نموده‌اند. (حاکم نیشابوری، بی‌تا، ۲: ۲۲۱)

نتیجه آنکه در میان روایات قرآن شناخت کلینی، روایاتی با اطلاعات ارزشمند حول مباحث مهم علوم قرآنی وجود دارد.

۴-۶. بررسی مسئله تحریف در روایات قرآن‌شناسی

با تأمل در روایات گونه قرآن شناخت کلینی روایاتی مشاهده می‌گردد که شبهۀ تحریف قرآن کریم را به ذهن متبادر می‌سازد. البته کلینی عنوانی این مضمون ندارد؛ اما بیان این روایات چنین شبهه‌ای را ایجاد می‌کند. برخی با استناد به آنها ادعای تحریف‌ناپذیری را که شیعه بدان معتقد و ملتزم است {تحریف لفظی} زیر سئوال برده‌اند.

سه روایت ذیل روایاتی هستند که نخست: ماهیت فرامتنی و کلی درباره قرآن دارند. دوم: محتوای این روایات ناظر به کل قرآن است، لذا بیشترین استنادها درباره تحریف بدین‌ها شده و در معرض بالاترین انتقادات به ثقة الاسلام کلینی و کتاب الکافی به طور خاص و شیعه به طور عام دارند (رک: نجارزادگان،۱۳۷۸، ۵: ۱۷۷) بنابراین می‌توان گفت با تحلیل این چند روایت می‌توان به حقیقت مسئله در نگاه کلی و کلان پی برد و دیدگاه کلینی را در این مسئله از آن جست.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.3.9]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.3.9]

۱. عَنْ جَابِرٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه‌السلام يَقُولُ: «مَا ادَّعى أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ أَنَّهُ جَمَعَ الْقرآن كُلَّهُ كَمَا أُنْزِلَ إِلَّا كَذَّابٌ، وَ مَا جَمَعَهُ وَ حَفِظَهُ كَمَا نَزَّلَهُ اللَّهُ تَعَالى إِلَّا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ الْأَئِمَّةُ مِنْ بَعْدِهِ علیهم‌السلام.» (کلینی، همان، ج ۱ص۵۶۶) جز فرد دروغگو هیچ کس مدعی نیست قرآن همانگونه که نازل شده است، جمع کرده است، و حقیقتاً احدی جمع و نگهداری نکرده آنگونه که خداوند نازل کرده است جز علی بن ابی طالب علیه‌السلام و امامان پس از او علیهم‌السلام.

۲. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه‌السلام، أَنَّهُ قَالَ: «مَا يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ يَدَّعِيَ أَنَّ عِنْدَهُ جَمِيعَ الْقرآن كُلِّهِ ظَاهِرِهِ وَ بَاطِنِهِ غَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ.» (کلینی، همان، ج ۱ ص ۵۶۷): احدی نمی‌تواند مدعی شود که همه قرآن از ظاهر و باطن نزد او است جز اوصیاء علیهم‌السلام.

از ظاهر روایت بر می‌آید تنها معصومان توانسته‌اند قرآن را جمع کنند و هر کس غیر از آنها ادعا نماید که قرآن جمع کرده و در اختیار دارد، دروغگو است. بنابراین ظاهر سخن این خواهد بود که قرآن فعلی جمع کامل کلام الهی نیست، که نتیجه آن تحریف است.

اما با دقت و تتبع به نظر می‌رسد چنین برداشتی از روایات یاد شده، فهمی ناصحیح و سطحی از روایت است چرا که:

۴-۶-۱. منظور از این جمع و حفظ قرآن که در روایت آمده، جمع ظاهر و باطن، تنزیل و تأویل و به عبارتی تمام معارف عمیق مرتبط با قرآن نازل است. و اشتمال قرآن بر ظاهر و باطن، واقعیتی است که فریقین بر آن صحه گذاشته‌اند. آیا جز اهل بیت علیهم‌السلام کسی در طول تاریخ مدعی صادقی بوده که ظاهر و باطن قرآن به تمام در اختیار اوست؟

وجود معانی و معارف باطنی قرآن منحصر به فراگیری از پیامبر و امامان معصوم است، که غیر اوصیاء از فهم آن ناتوانند (بابائی،۱۳۸۸، ج۲ ص۲۱) شاهد آنکه، روایت دوم به نوعی مبین روایت اول است که جمع قرآن، را مشتمل بر ظاهر و باطن می‌داند،

به نوعی که فهم تأویلات و حقایق آن را در بر داشته باشد، نه فقط ظاهر الفاظ، و این در انحصار فهم معصومان علیهم‌السلام است. بنابراین تعبیر "جَمَعَ الْقرآن كُلَّهُ كَمَا أُنْزِلَ"در روایت اول مرتبط به فهم حقیقی و تأویل و باطن آیات است.

۴-۶-۲. این روایات را کلینی در کتاب الحجه، باب أَنَّهُ لَمْ يَجْمَعِ الْقرآن كُلَّهُ إِلَّا الْأَئِمَّةُ علیهم السلام وَ أَنَّهُمْ يَعْلَمُونَ عِلْمَهُ كُلَّه آورده است، یعنی برداشت کلینی از این روایات نیز، فهم معارف تمام قرآن اعم از ظاهر و باطن است. روایات بعدی که در این باب می‌آورد نیز شاهد بر این مدّعا است.

نهایت سخن آنکه با نگاهی خالی از اغراض و تبیینی منصفانه از فحوای کلام، ساختار روایت و همچنین چینش آن روایت در کتاب مربوطه، از این دو روایت هرگز نمی‌توان ادعای تحریف‌پذیری قرآن را اثبات نمود.

سومین روایتی که آن را مشعر به مسئله تحریف می‌دانند، روایتی است که متن آن به دو شکل نقل شده است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام، قَالَ: «إِنَّ الْقرآن الَّذِي جَاءَ بِهِ جَبْرَئِيلُ علیه السلام إِلَى مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله سَبْعَةَ عَشَرَ أَلْفَ آيَة (کلینی،۱۴۰۷،۲: ۶۳۴) و گاه چنین نقل شده: {سَبْعَةَ آلَافِ آيَةٍ}». (کلینی، ۱۴۲۹، ۴: ۶۷۴، ۶۷۵) قرآنی که جبرئیل برای محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله آورد هفده هزار (به نقل دیگر: هفت هزار) آیه بوده است.

در دو چاپ مشهوری الکافی – چاپ دارالکتب الاسلامیه و چاپ دارالحدیث – این دو نقل موجود است. بر اساس چاپ قدیم، عبارت "سَبْعَةَ عَشَرَ أَلْفَ آيَة" یعنی هفده هزار آیه در حالی که اکنون از قرآن حداقل ده هزار و اندی کمتر از این عدد هست. لذا ادعای تحریف به نقیصه در نقل کلینی قوت می‌گیرد.

می‌گوییم: می‌توان روایت را مردود دانست، زیرا خبر واحد است در برابر نص متواتر قرآن کریم، و مخالف با نصّ صریح قرآن و مخالف با اجماع امامیه در عدم

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.3.9]

تحریف کتاب آسمانی. اما نقل آن توسط کلینی بررسی ابعاد این روایت است.

فهم این روایت در دو بستر قابل تحلیل و بررسی را می‌طلبد.

الف) پذیرش روایت و توجیه آن

با پیش فرض پذیرش عبارت «هفده هزار آیه» که در یک نسخه آمده، مسئله این است که آیا به طور قطع می‌توان مدعی شد این روایت مقصودی جز اثبات تحریف قرآن کریم را ندارد؟ یا امکان فهم دیگر و ارائه نظریه جز این نیز وجود دارد؟ در تحلیل روایت باید گفت:

نخست: منظور از این عبارت، تعیین مقدار آیات قرآن همراه با وحی بیانی یا تشریحی باشد که غیر از وحی قرآنی و تنزیلی است. شیخ صدوق بدون اشاره به این روایت در این باره نقلی دارد که می‌گوید «آنچه به صورت غیر قرآنی وحی شد، اگر به قرآن افزوده شود، شمار آیات آن هفده هزار آیه خواهد شد.» (ابن بابویه، ۱۴۱۴، ص ۸۴)

دوم: روایت مذکور نمی‌تواند دیدگاه کلینی را درباره قرآن کریم اثبات کند، بلکه تنها می‌تواند هدف ایشان نقل و گزارش آن روایت باشد. شاهد این مدعا آنکه روایت یاد شده در کتاب فضل القرآن باب نوادر، آن هم به عنوان آخرین حدیث این باب نقل شده که بیانگر دیدگاه تحریف گرایانه او نخواهد بود.

ب) دیدگاه تصحیحی متن روایت

مطابق با این دیدگاه، عبارت مذکور «هفده هزار» نیست، بلکه هفت هزار است، و اشتباه از ناحیهٔ کاتبان رخ داده است. لذا نسبت دادن تحریف گرایانه به کلینی با چالش جدی مواجه شده است. زیرا:

نخست: درکتاب الوافی، این روایت با عدد "سبعة آلاف" (فیض کاشانی،۱۴۰۶، ۹: ۱۷۸۱) آمده است. این نشان می‌دهد در نسخه کافی که در دست ایشان بوده، عدد «هفت

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.3.9]

هزار» نقل شده است. لذا این احتمال که بعدها توسط ناسخان، عبارت "عَشَرَ" اضافه شده و به شکل "سَبْعَةَ عَشَرَ أَلْفَ" نقل شده، قوت می‌گیرد. ایشان در تفسیر خود "الصافی" نیز به نقل از کتاب الکافی روایت را با همین عدد "سبعة آلاف" (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۱: ۵۴) ذکر می‌کند. علامه شعرانی نیز تأکید می‌کنند که این عبارت "عَشَرَ" از اضافات مستنسخین است و عدد "سبعة آلاف" بر عدد واقعی انطباق دارد. ایشان در این باره می‌گوید: «نظر من درباره واژه "سبعة عشر ألف آیة" در این خبر، این است که واژه "عشر" قطعا توسط بعضی از نساخ یا راویان در متن حدیث اضافه شده است». (مازندرانی،۱۳۸۲، ۱۱: ۷۶ پاورقی)

دوم: عدد هفت هزار بر مبنای تخمین با اعدادی که در شمارش تعداد آیات قرآن نقل شده، بسیار نزدیک است. قرآن، طبق روایت کوفیین -که صحیح‌ترین و قطعی‌ترین روایات است- ۶۲۳۶ آیه دارد. این روایت، از حضرت امیر علیه‌السلام روایت گردیده است. و اکنون نیز عدد قرآن در مصحف شریف، همین رقم است. (معرفت،۱۳۸۲، ص ۸۲) تعداد آیات قرآن کریم بین شش تا هفت هزار است. (نجارزادگان،۱۳۸۷، ۱: ۸۴) شعرانی ذیل این روایت می‌گوید: «عبارت هفت هزار تقریبی است، همانگونه که معمول است که در شمارش اشیاء، در بعضی از موارد تقریبی ذکر می‌شود.» (مازندرانی،۱۳۸۲، ۱۱: ۷۶ پاورقی)

لذا متن روایت مذکور دچار تصحیف شده و متن روایت اضافات دارد. به علاوه عدد هفت هزار آیه در روایت بنابر گزارش تخمینی بوده که نزدیک با تعداد آیات حقیقی قرآن است.

۴-۷. اعتبار شناسی روایات قرآن شناختِ کلینی

در مباحث گذشته دیدیم که مفاد این قبیل روایات تا چه حد معتبر و مورد عنایت و اهمیت است چنانکه هم راستا با دیدگاه جمعی از مسلمانان غیر امامیه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.3.9]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.3.9]

نیز می‌باشد. کلینی در انتخاب روایات فضایل نزول نیز رویکردی گزینشی داشته و تنها به نقل فضایل برخی از سوره‌ها، به صورت گزینشی اعتنا نموده است. هم چنین در کتاب دعا به بعضی از آیات که اهمیت دعایی داشته اشاره داشته است. بنابراین می‌توان ادعا کرد که دست کم روایات قرآن شناخت اصول الکافی کلینی اعتبار محتوایی دارند و تنها یک روایت به نظر تخالف قطعی با مبانی امامیه در تفسیر قرآن دارد، در نقلی که منتسب به فعل جلوس امام صادق علیه‌السلام است، نوعی از سبک جلوس و نشستن به خداوند منتسب می‌گردد.

لَمَّا أَنْ فَرَغَ اللَّهُ- عَزَّ وَ جَلَّ- مِنْ خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اسْتَوى عَلَى الْعَرْشِ، جَلَسَ هذِهِ الْجِلْسَةَ لِيَسْتَرِيحَ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لا نَوْمٌ»... (کلینی، ۱۴۲۹، ۴: ۷۴۲)

اشکال عمده این روایت، مضمون آن است که ظاهر آن قبول جسمانیت، نیاز به استراحت و... برای خداوند عزوجل است. که با قرآن و روایات دیگر مخالفت دارد و محتوای آن مورد قبول نیست.

برخی از شارحان الکافی سند حدیث را ضعیف شمرده (مجلسی،۱۴۰۴، ۱۲: ۵۶۴) و برخی با توجه به آیه، نفی جسمانیت (مازندرانی،۱۳۸۲،۱۱ : ۱۱۹) برای خدا کرده‌اند بعضی نیز با ارائه حدیثی از الکافی که در آن امام سجاد نفی هر گونه حالت نشستن برای خداوند را می‌کند، این حدیث را مخالف حدیث دیگر می‌دانند. (رک: کلینی،۱۴۰۶، ۵: ۶۲۴)

به علاوه ممکن است روایت مذکور در شرایط تقیه صادر شده باشد. چرا که تصور جسمانیت برای خداوند متعال در باورهای مکتب عامه نمود دارد.

نهایت سخن آنکه روایت مذکور به دلایل ذیل مورد تأیید نیست.

۱) مخافت با قرآن

۲) عدم مطابقت با اصول و مبانی قطعی امامیه و مسلمات دینی و شرعی

۳) مخالفت قطعی با احادیث معتبر و استوار

۴) احتمال صدور روایت در شرایط تقیه

۴-۸. رویکرد کلینی به روایت قرآن شناختی

به منظور فهم دیدگاه ثقه الاسلام کلینی در روایات قرآن شناختی در اصول کافی با توجه چینش روایت و قرار گرفتن آنها ذیل کتابها و عناوین باب‌ها و هم چنین مفاد روایت این رویکرد قابل استنباط است، در یک برآورد کلان قریب به ۷۵ درصد روایات قرآن شناخت در جلد چهارم الکافی قرار دارند. این جلد به جهت اشتمال بر سه مبحث، یعنی کتاب دعا و کتاب فضل القرآن و العشره، سرشار از روایات قرآن شناخت است. از این رو، در آن رویکرد تعمیمی به ندرت به چشم خورده و اساساً رویکرد تأویل گرایی هم در آن وجود ندارد. مطلب دیگر آنکه روایات گونه قرآن شناخت، بخش اعظم آن در کتاب فضل القرآن و بدنبال آن بیشترین فراوانی در کتاب دعا آمده است.

در یک نگاه آماری بیشترین فراوانی حضور روایات با شاخصهٔ قرآن شناختی به ترتیب، کتاب فضل القرآن قریب به ۳۷ روایت، کتاب الدعا ۲۴با روایت، کتاب الحجه، ۱۵ روایت کتاب العشرة و ایمان و کفر هر یک ۴ روایت، کتاب توحید ۳ روایت و کتاب العلم یک روایت دارد.

نتیجه آنکه دیدگاه کلینی در این گونه، *رویکردی قرآن شناسانه و قرآن محوری* است. و کلینی دغدغهٔ شناساندن و معرفی فضل قرآن دارد، زیرا:

نخست: قالب اکثر روایات قرآن شناختی اصول الکافی، فرامتنی در معرفی و شناسایی قرآن کریم به طور کل نگر است.

دوم: بیشترین فراوانی این روایات در کتاب فضل القرآن با بیش از ۴۰ درصد روایات است با احتساب روایات بخش کتاب الدعا مجموعاً بیش از ۷۰ درصد

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.3.9]

روایات محتوایی قرآن شناسانه دارد. کلینی نیز با همین نگاه، این روایات قرآنی را تبویب کرده است.

سوم: نیمی از روایات قرآن شناخت، در قسیم اسم‌شناسی هستند. به عبارتی ۵۰ درصد روایات این گونه مربوط به فضایل قرآن، سور و آیات هستند.

۵. جمع‌بندی

نتیجه آنکه: روایات قرآن شناختی با وجود ماهیت فرامتنی خود، حاوی اطلاعات و داده‌های سودمند و زیر بنایی در فهم قرآن هستند. کلینی خود، بدین مسئله واقف بوده و کوشیده روایاتی را برگزیند که در این مسئله، نقش آفرین، سودمند و مورد توجه باشند. روایات قرآن شناخت، در حوزه مباحث فرامتنی قرآن کریم است و روایات شآن نزول‌ها و فضایل و خواص سور و آیات یا اطلاعات تاریخی و متن‌شناسی آیات قرآن کریم را در بردارد. احادیثی با این چنین ماهیت‌هایی در اصول الکافی باید چنان با اهمیت و اعتبار نباشند، در حالی که دیدیم در نقل احادیث قرآن شناختی رویه غالب کلینی گزینش و نقل احادیثی است که مورد اعتماد، عنایت و اهمیت بوده و مضمون آن استوار و در موارد بسیار مورد اتفاق و کاربردی و در حوزه باورهای اصلی امامیه در تفسیر است. و این نشان اهتمام ویژه او حتی در این قبیل موارد دارد. نتیجه آنکه شاید برخی از روایات قرآن شناختی کلینی در مقایسه با سایر روایات دیگر به آن حد اعتبار نرسد، اما در مقایسهٔ کلی و تطبیقی عام می‌توان ادعا کرد روایاتی که کلینی با ماهیت قرآن شناختی نقل نموده، عموماً وزین و مورد اعتماد و استفاده و استناد در حوزه شناخت قرآن و مباحث قرآن شناختی است. و در بسیاری از موارد، این روایات مورد توجه، عنایت و بحث موافقین و مخالفین آنها بوده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.3.9]

منابع

قرآن کریم

الف. منابع عربی

۱. ابن ابی حاتم عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم (ابن‌ابی‌حاتم)، عربستان: مکتبة نزار مصطفی الباز،۱۴۱۹ ق.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش.

۳. _____، إعتقادات الإمامیة، کنگره شیخ مفید قم، ۱۴۱۴ق.

۴. _____، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: دار الشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ ق.

۵. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت، دار الکتاب العربی،۱۴۲۲ ق.

۶. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت، دارالکتب العلمیه،۱۴۲۲ق.

۷. بخاری، محمد بن اسماعیل. صحیح البخاری، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع،۱۴۰۱-۱۹۸۱ م.

۸. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی،۱۴۱۸ ق.

۹. ثعلبی نیشابوری، ابو اسحاق احمد بن ابراهیم، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار إحیاء التراث العربی،۱۴۲۲ق.

۱۰.حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. المستدرک علی الصحیحین، تحقیق یوسف عبد الرحمن المرعشلی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۱۱. الخلّال، محمد بن الحسن، فضائل سورة الاخلاص و ما لقارئها، تحقیق الدکتور ابوبکر علی الصدیق، بیروت، دار البشائر الاسلامیه، ۱۴۱۹.

۱۲. سیوطی، جلال الدین؛ الإتقان فی علوم القرآن، بی‌چا، المکتبة الثقافیة، بیروت، ۱۹۷۳م.

۱۳. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.

۱۴. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ش.

۱۵. صبحی، صالح، مصطح الحدیث، ترجمه عادل نادر علی، قم، اسوه، ۱۳۸۳ش.

۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعهٔ مدرسین حوزه علمیه،۱۴۱۷ق.

۱۷. طبرسی، فضل بن حسن،مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.

۱۸. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۱۲ق.

۱۹. طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، قم: دار الثقافهٔ ۱۴۱۴ق.

۲۰. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، قم: دار الحدیث ۱۴۲۹ق.

۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیة،۱۴۰۷ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.3.9]

۲۳. فخر رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۴. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ق.
۲۵. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام أمیر المؤمنین علی‌علیه‌السلام – اصفهان، چاپ: اول، ۱۴۰۶ق.
۲۶. قطینه آمال، الصحیح و السقیم فی فضایل القرآن الکریم، عمان، دار و مکتبة الحامد، ۲۰۰۵.
۲۷. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح الکافی الأصول و الروضة، تهران: المکتبة الإسلامیة،۱۳۸۲ق.
۲۸. مجلسی، محمدباقربن محمد تقی، بحارالانوار، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۱۳ه.ق.
۲۹. مجلسی، محمدباقربن محمد تقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دارالکتب الإسلامیة،۱۴۰۴ق.
۳۰. مدیر شانه‌چی، کاظم، درایة الحدیث، قم، جامعه المدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۴.
۳۱. معرفت، محمدهادی، التفسیر الاثری الجامع، قم، التمهید،۱۳۹۰ش.
۳۲. معرفت، محمدهادی، تلخیص التمهید، قم: نشر اسلامی(لجماعه المدرسین)،۱۴۲۸ق.
۳۳. نجارزادگان، فتح الله، سلامة القرآن من التحریف، تهران: پیام آزادی، ج ۱، ۱۳۷۸ش.
۳۴. واحدی، علی بن احمد، اسباب نزول القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱ ق.

ب. منابع فارسی

۳۵. ایازی، سیدمحمد علی، تحلیلی از جایگاه قرآن‌شناسی اهل بیت در کافی، دو فصلنامه علمی پژوهی حدیث پژوهی دانشگاه کاشان، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
۳۶. بابایی، علی اکبر، مکاتب تفسیری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت،۱۳۸۸.
۳۷. حجتی، سید محمد باقر، اسباب النزول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی،۱۳۷۷.
۳۸. حجتی، سید محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی،۱۳۷۷.
۳۹. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، قم: انصاریان، ۱۳۸۷.
۴۰. راد، علی، گونه‌شناسی احادیث تفسیری از نظریه تا تطبیق، *مجله تفسیر اهل بیت*، سال دوم، ش اول ۱۳۹۳.
۴۱. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۵.
۴۲. معارف، مجید، در آمدی بر تاریخ قرآن، تهران: نباء، ۱۳۸۳.
۴۳. معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، تهران: سمت، ۱۳۸۲.
۴۴. مهریزی، مهدی، روایات تفسیری شیعه و گونه‌شناسی و حجیت، قم: مجله علوم حدیث / سال ۱۵/ شماره ۱.
۴۵. نجارزادگان، فتح الله، تأمّلی در احادیث تحریف‌نمای «الکافی»، قم: کنگره بزرگداشت کلینی، مجموعه مقالات فارسی، ج ۵.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.3.9]